

ما از عدالت سهمی داریم
سازمان حقوق بشر ایران

سال چهارم شماره ۸۶

۸ مهر ۱۳۹۷ / ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۸

حقوق ما

مصونیت قضایی و امنیت وکلا در ایران

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: نعیمه دوستدار

تحریریه: مریم دهکردی، معین خزائلی، نیلوفر جعفری، مریم دهکردی، جلال سمیع‌زاده

صفحه‌بندی: ماهور خوش‌قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است

یادداشت‌هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می‌شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست

تنهایی وکلای دادگستری ایران در برابر اتهامات



وکلا در ایران: تحت تعقیب

جهان در تعقیب وکلا

چرا وکلا در ایران بازداشت می‌شوند؟

«مصونیت، تامین و استقلال وکلا در ایران یک شوخی تلخ است»



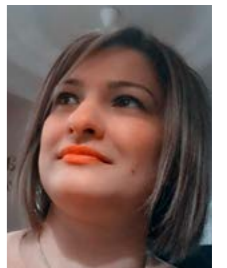
مصونیت وکلای دادگستری؛ یک الزام قضایی جهانی



کانون وکلا، نهادی که از وکلا حمایت نمی‌کند



تنهایی وکلای دادگستری ایران در برابر اتهامات



نغمه دوستدار

در کشورهای مختلف است که در جهت پشتیبانی از وکلا و نیز نظارت بر عملکرد آنها تشکیل شده است. چنین نهادی در ایران هم وجود دارد اما تاریخچه کانون وکلای دادگستری هم نشان می‌دهد که حتی این نهاد صنفی هم از تعرض و حمله در امان نبوده است و به دلیل سیاسی شدن، نتوانسته از حقوق صنفی اعضای خود حمایت کند. بر مبنای قواعد قضایی، اگر یک وکیل دادگستری مرتکب خلاف یا جرمی شود، آن پرونده باید در دادرسی انتظامی کانون وکلا به دست یک وکیل دادگستری مورد رسیدگی قرار بگیرد. اگر موارد اتهام تایید شود، آن وکیل دادگستری از حرفه خود معلق خواهد شد و در آن صورت می‌توان او را محاکمه کرد. اما مفاد لایحه استقلال کانون وکلا در دهه‌های گذشته توسط دولت جمهوری اسلامی نقض شده است.

بر این اساس کانون وکلای دادگستری که تنها مرجع صنفی وکلاست، باید از اعضای خود دفاع کند اما روسای کانون وکلا چنین اقداماتی نکرده‌اند. دلیل این ضعف در کانون وکلای دادگستری، تصویب قانونی در مجلس پنجم است که بر اساس آن مقرر شد صلاحیت افرادی که داوطلب عضویت در هیات مدیره کانون وکلا هستند، باید

در لحظه‌ای که این یادداشت تنظیم می‌شود، نسرين ستوده وکیل شناخته شده دادگستری در بازداشت است و قرار بازداشت موقت آرش کیخسروی و قاسم شعله سعدی دو وکیل دادگستری که ۲۷ مرداد ۱۳۹۷ در پی تجمع در مقابل مجلس بازداشت شده بودند، تمدید شده است. این سه وکیل، تنها نمونه‌ای از وکلایی هستند که در ماه‌ها و سال‌های اخیر بازداشت شده‌اند. گرچه اعتراض کیخسروی و شعله سعدی، اعتراضی سیاسی بوده و نه لزوماً و صرفاً سیاسی، اما کم نیستند وکلایی در ایران که تنها به دلیل انجام وظیفه شغلی‌شان و به دلیل دفاع از متهمانی که پرونده آنها حساسیت سیاسی دارد، بازداشت می‌شوند. نسرين ستوده آخرین بار زمانی بازداشت شد که گفته می‌شد دلیل بازداشتش شکایت یک بازپرس در پرونده مربوط به یکی از دختران معترض به حجاب اجباری است: اتهامی که بعداً با افزوده شدن موارد متعدد دیگر، تغییر شکل یافت.

در تاریخ چند دهه‌ای جمهوری اسلامی بازداشت وکلا خود به یک ژانر در ادبیات قضایی ایران تبدیل شده است. کانون وکلا یا کانون وکلای دادگستری نهادی غیردولتی

جا شاکی بشوم و از کانون بخواهم شکایت من را بر پایه حقوق حرفه‌ای‌ام دنبال کند. در کانون اما نه از تاک نشان بود، نه از تاک نشان. آبدارباشی کانون، آقای مشایخ، همه‌کاره شده بود. تمام اعضای هیئت مدیره را که در انتخابات دموکراتیک انتخاب شده بودند بازداشت کرده و کیلی حکومتی به نام آقای افتخار جهرمی ریاست کانون را به عهده داشت.

دیدار با او اما ممکن نبود. می‌گفتند ۲۲ شغل دارد و وقت ندارد. همه‌ی امور را آقای مشایخ مدیریت می‌کرد. میخکوب شدم و فهمیدم تاریخ کشور به صورت جدی ورق خورده و وکلای دادگستری دیگر کانونی ندارند که حافظ حقوق صنفی‌شان باشد. فهمیدم موکلین هم از نیروی دفاع وکلای مستقل نمی‌توانند بهره ببرند.» این وکیل دادگستری از تنهایی خود در هنگامی که با اتهامات امنیتی مواجه شد سخن می‌گوید و تاکید می‌کند که کانون وکلای دادگستری مرکز که عضویت آن را داشت، او را در محاصره انواع نهادهای امنیتی موازی و غیرموازی تنها گذاشت.

مهرانگیز کار می‌گوید: «اینک وکلای ایرانی اگر مطالبه‌گر جدی قانون‌مندی بشوند، کانون وکلایی که مستقل باشد وجود ندارد و بسته به مصالح زورمندان حاکم بر قوه قضاییه و کانون وکلا، نفس وکلای معترض به قانون‌شکنی را می‌گیرند.»

از آنجا که یکی از وظایف گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل، این است که درباره استقلال قضات و وکلای دادگستری تحقیق کند، عبدالکریم لاهیجی، وکیل دادگستری سال‌ها پیش نامه‌ای خطاب به گزارشگر ویژه و کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل ایران نوشت تا نسبت به وضعیت وکلای دادگستری در ایران اعتراض کند، اما اعتراضاتی که به موارد نقض حقوق بشر می‌شود، همواره از سوی حکومت ایران مورد بی‌اعتنایی قرار می‌گیرد.

روایت این شماره مجله حقوق ما، روایت وکلایی است که خود در برابر قانون تنها مانده‌اند، باشد که در شماره‌های دیگر، به بررسی وضعیت کانون وکلای ایران بپردازیم.



کانون وکلای دادگستری مرکز

به تایید دادگاه انتظامی قضات برسد. این در شرایطی است که قضات دادگاه انتظامی قضات را رئیس قوه قضائیه انتخاب می‌کند و رئیس قوه قضائیه، خود منتخب رهبر جمهوری اسلامی است. به این ترتیب با ورود نظارت استصوابی به کانون وکلا استقلال آن از میان رفته است. وکلای دادگستری می‌گویند که با تصویب این قانون، افرادی که منتخب واقعی وکلا هستند رد صلاحیت می‌شوند و امکان ورود به هیات مدیره را پیدا نمی‌کنند. مهرانگیز کار، حقوقدان و وکیل دادگستری این واقعیت تلخ را درباره کانون وکلای دادگستری ایران با این خاطره یادآوری می‌کند: «...آن روز که از دادگاه اسلامی بیرونم انداختند، بی‌تردید رفتم به سمت کانون وکلا تا در آن



وکلا در ایران: تحت تعقیب

جلال سمیع زاده

به معنای آن است که تعقیب وکیل با تشریفات خاص و البته با درخواست کانون وکلای دادگستری امکان پذیر است.

یکی از مباحث مهمی که در موضوع مصونیت قضایی وکلا مطرح می شود تعارض مصونیت با «اصل برابری همه افراد در مقابل قانون» است. در قوانین اساسی کشورها و همچنین در اسناد بین المللی همواره بر اصل آزادی افراد و برابری آنها تاکید می شود.

در حقوق ایران بر اساس اصل ۱۹ و ۲۰ قانون اساسی آمده است که مردم ایران از هر قوم و قبیله ای که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و به طور یکسان مورد حمایت قرار می گیرند. همچنین در اصل ۲۲ قانون اساسی به مصونیت حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص در مقابل تعرض اشاره شده است مگر اینکه قانون آن را تجویز کند. به این ترتیب مصونیت قضایی وکلا نه از جهت برتری آنها به دیگر افراد است بلکه این امتیاز صرفا به دلیل مسئولیت مهم آنان و وظایف سختی که بر عهده آنان است در نظر گرفته شده است.

در نگاهی کلی تر، مصونیت شغلی و قضایی فقط برای اشخاص یا نهادهایی در نظر گرفته می شود که وظایف و تکالیف رسمی را برعهده دارند چرا که آنها تنها زمانی می توانند آزادانه و بدون مداخله به وظایف و تعهدات خود بپردازند که از هرگونه فشار، تهدید و نگرانی در امان باشند. به همین دلیل مصونیت به عنوان یک قاعده مستثنی در حقوق در نظر گرفته می شود تا شرایط عمل آزادانه وکلا را برای دفاع از حقوق موکل خود فراهم کند.

مصونیت در قوانین ایران

با توجه به قانون استقلال کانون وکلا در مواد ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ می توان به خوبی وضعیت مصونیت شغلی وکلا را مورد بررسی قرار داد؛ بر اساس ماده ۱۶ قانون استقلال کانون وکلا «هرگاه وزیر دادگستری به جهتی از جهات وکیلی را قابل تعقیب دانست می تواند از دادگاه انتظامی وکلا با ذکر دلایل امر تقاضای رسیدگی نماید و نیز در صورتی که به حکم دادگاه

مزبور تسلیم نباشد می تواند تقاضای تجدیدنظر کند. همچنین در ماده ۱۷ این قانون آمده است که از تاریخ ارایه این قانون هیچ وکیلی را نمی توان از شغل وکالت معلق کرد مگر به موجب حکم قطعی دادگاه انتظامی.»

ماده ۱۸ قانون نیز تصریح می کند: «در صورتی که وزیر دادگستری یا رئیس هیات مدیره کانون وکلا به جهتی از جهات اشتغال وکیل مورد تعقیب را به کار وکالت مقتضی نداند می تواند از دادگاه انتظامی وکلا، تعلیق موقت او را بخواهد و دادگاه موظف است در جلسه خارج از نوبت به این درخواست رسیدگی کرده و در صورتی که رای بر تعلیق صادر شود این رای قابل اجرا خواهد بود. همچنین در صورت درخواست شش نفر از اعضای هیات مدیره کانون، رئیس مکلف است از دادگاه تقاضای تعلیق وکیل مورد تعقیب را نماید.»

در ماده ۸۷ آیین نامه این قانون نیز آمده است که در صورتی که نسبت به وکیلی به اتهام ارتکاب جنحه یا جنایت کیفرخواستی صادر شود باید رونوشت آن به کانون فرستاده شود و از طرف کانون به دادگاه انتظامی ارجاع داده شود. در صورتی که دادگاه دلایل را قوی و ادامه وکالت را منافی با شئون وکالت تشخیص دهد حکم تعلیق موقت و را صادر می نماید و حکم موقتا قابل اجراست و مفاد آن به دادگاهها ابلاغ می شود.»

همچنین تبصره ۳ ماده واحده قانون انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوا می گوید: «وکیل در موضع دفاع از احترام و تأمینات شاغلین شغل قضا برخوردار می باشد.» برخی با استناد به این تبصره و اشاره به واژه احترام از این قانون چنین برداشت می کنند که هدف قانون گذار از واژه احترام تأمین و مصونیت برای وکیل است و به این ترتیب دادگاه می بایست آزادی کامل او را فراهم کند تا وکیل بتواند بدون نگرانی دفاعیات خود را ارائه کند. همچنین عبارت «تأمینات شاغلین شغل قضا» در این تبصره نشان می دهد که وکیل دادگستری

نیز همانند قاضی نمی تواند بدون سلب مصونیت قضایی مورد تعقیب قرار بگیرد. با این تفاوت که مصونیت قضایی وکیل تنها در برابر جرائمی است که در موضع دفاع انجام می دهد. در مقابل عده ای این عبارت را به عنوان مصونیت شغلی برای وکیل تعبیر نمی کنند و آن را متفاوت با مصونیتی که برای قضات در نظر گرفته شده است تفسیر می کنند و اساسا این عبارت را در اجرا ناممکن می دانند زیرا یک عبارت مبهم است که در هیچ یک از قوانین موضوعه به آن پرداخته نشده است. و اگر مصونیتی برای وکلا در نظر گرفته شده است قانون گذار باید مقررات آن را بیان می کرد. پس در عمل به دلیل فقدان مقررات خاص نمی توان مصونیتی برای وکلای دادگستری در نظر گرفت.

از سوی دیگر قانون گذار در مواردی بازداشت و حبس وکیل بدون نیاز به تعلیق وی را پیش بینی کرده است. بر اساس ماده ۱۰۱ قانون آیین دادرسی وکیل در صورتی که نظم دادگاه را بر هم بریزد، می تواند از ۱ تا ۵ روز زندانی شود. این در حالی است که فقط زمانی می توان از مصونیت وکلا سخن گفت که آنها به هیچ دلیلی مورد تعقیب قضایی قرار نگیرند و مثلا به دلیل ایجاد اختلال در دادگاه مورد مجازات قرار نگیرند. و نکته آخر اینکه در تعقیب قضایی وکلای دادگستری هرگز از دادگاه انتظامی کانون وکلا اجازه گرفته نمی شود و این مساله را می توان به عنوان دلیل روشنی دانست که نشان می دهد مصونیت قضایی وکلا در ایران تأمین نمی شود.

با توجه به اینکه قوه قضاییه ایران موفق شده است تا نظارت کامل بر کانون وکلای ایران را به دست بگیرد انتظار ایجاد رویه ای برای حمایت از وکلا در روند دادرسی در ایران عملا غیر ممکن است. تصویب قوانین محدود کننده وکلا که ناقض استقلال آنهاست به معنای آن است که هیچ تضمینی برای استقلال و مصونیت آنها وجود ندارد و وکلا می توانند به سادگی مورد آزار و اذیت و تعقیب قضایی قرار بگیرند.

وکالت شغل ناامن و پرچالشی است. موقعیت و جایگاه خاصی که وکلا در جریان اعاده دادرسی در آن قرار دارند، امنیت شغلی آنها را به مخاطره می اندازد. بنابراین در بسیاری از نظام های حقوقی جهان، وکلا برای دفاع آزادانه و بدون نگرانی و ترس از امتیازها و مصونیت های قضایی برخوردار هستند. در جریان به عهده گرفتن وکالت یک متهم همواره این احتمال وجود دارد که وکیل مورد اهانت طرفین دعوا قرار بگیرد یا نتواند از حقوق موکل دفاع کند و در دادگاه شکست بخورد. همچنین ممکن است دادگاه وکیل را در مقام فردی در نظر بگیرد که قصد دارد دادگاه را منحرف کند یا فریب بدهد.

به طور کلی در جایگاه وکالت، وکیل باید حق دفاع آزادانه از حقوق موکل خود را داشته باشد بدون اینکه نگران باشد بیان آزادانه حقایق امنیت شغلی خود یا وضعیت موکل را تهدید می کند. به عبارت دیگر تنها وکیلی می تواند از حقوق موکل خود به شایستگی دفاع کند که بداند بازگو کردن حقایق و صراحت بیان عاملی برای تعقیب قضایی او نخواهد بود و نه از سوی طرفین دعوا و نه از سوی دادگاه امنیت او تهدید نخواهد شد.

دادرسی در یک دادگاه عادلانه زمانی امکان پذیر خواهد بود که رابطه دادگاه و طرفین دعوا و وکلا بر اساس اعتماد متقابل شکل گرفته باشد. دادگاه باید وکیل را به عنوان شخصی که صادقانه در مقام دفاع از موکلش قرار گرفته در نظر بگیرد و وکیل نیز باید با توجه به مصونیت های قضایی از پیش تعیین شده توسط قانون گذار نسبت به امنیت شغلی، مالی و جانی خود مطمئن باشد.

مصونیت چیست؟

مصونیت شغلی برای وکیل به معنای آن است که او در جایگاه دفاع از موکل خود مصونیت مطلق داشته باشد. اما در حقوق قضایی ایران منظور از مصونیت شغلی وکیل دادگستری مصونیت تشریفات است. مصونیت تشریفات در آیین دادرسی

جهان در تعقیب وکلا

نیلوفر جعفری

در بسیاری از توافقات بین‌المللی، حق دفاع از جمله حقوق اولیه متهم شناخته می‌شود. اعلامیه جهانی حقوق بشر بر اصل برابری همگان در مقابل قانون، پیش‌فرض بی‌گناهی افراد و حق بهره‌مندی از دادگاه مستقل و بی‌طرف برای متهم تاکید کرده است. متهم حق دارد از خدمات حقوقی مانند کمک از وکلای مستقل، آزادانه و بدون فشار و اجبار دادگاه استفاده کند. بر اساس حقوق تعیین شده در سازمان ملل، متهم حق دارد از هر وکیلی که خودش می‌خواهد استفاده کند.

وکلا نقشی کلیدی در حفظ اعتماد عمومی به سیستم قضایی دارند. آنها واسطه میان مردم و دستگاه قضایی هستند. بر اساس مصوبه سازمان ملل درباره «اصول اساسی نقش وکلا»، دولت‌ها باید این اطمینان را فراهم کنند که وکلا بتوانند در شرایطی بدون تهدید و دخالت بهترین عملکرد خود را برای دفاع از متهم داشته باشند. همچنین وکلا نباید به هیچ عنوان به دلیل اقدامات حرفه‌ای و وظایف اخلاقی خود تحت تعقیب قانون و مجازات قرار بگیرند.

وکلا در بسیاری از کشورهای جهان به خاطر وظایف حرفه‌ای خود مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند آنها همچنین با محدودیت‌های قانونی مانند تحقیقات، محدودیت دسترسی به مشتری مواجه هستند. این محدودیت‌ها

باعث می‌شود که وکلا نتوانند به طور موثر به وظایف خود عمل کنند. شورای وزیران اتحادیه اروپا در اوایل سال ۲۰۰۰ میلادی توصیه‌نامه‌ای برای آزادی عمل وکلا تصویب کرد. اما در عمل این توصیه‌ها کارساز واقع نشدند زیرا الزام قربانی آزار و اذیت می‌شوند و تحت فشار و محدودیت قرار می‌گیرند. به ویژه وکلایی که در پرونده‌های سیاسی و اجتماعی فعالیت دارند بیشتر در معرض تهدید حکومتی قرار دارند. در این کشورها وکلا معمولاً هم توسط نهادهای دولتی و هم توسط گروه‌های سیاسی اپوزیسیون تحت آزار قرار می‌گیرند. در بسیاری از موارد دولت‌ها نمی‌خواهند و یا نمی‌توانند از آنها حمایت و حفاظت کنند و هر نهادی که بخواهد به طور مستقل از این وکلا حمایت کند نیز تحت آزار و تعقیب قرار می‌گیرد. در حال حاضر هیچ گرفتن آنها توسط سازمان‌های دولتی، تهدید، کمپین‌های

مکانیزم بین‌المللی برای نظارت بر وضعیت وکلا وجود ندارد. شورای وزیران اتحادیه اروپا در اوایل سال ۲۰۰۰ میلادی توصیه‌نامه‌ای برای آزادی عمل وکلا تصویب کرد. اما در عمل این توصیه‌ها کارساز واقع نشدند زیرا الزام آور نبودند. از سوی دیگر مجمع پارلمانی اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۷ با بررسی گزارش‌هایی به این نتیجه رسید که وجود یک پیمان‌نامه در این زمینه ضروری است. این گزارش‌ها فشار فزاینده بر روی وکلا در کشورها عضو شورای اروپا مانند روسیه، ترکیه، اوکراین و آذربایجان را نشان می‌دهد. در این گزارش به مواردی نظیر قتل، ناپدید شدن، خشونت فیزیکی و بازجویی از وکلا و همچنین تحت تعقیب قرار گرفتن آنها توسط سازمان‌های دولتی، تهدید، کمپین‌های



دروغ‌پراکنی و جلسات انضباطی اشاره شده است. در ۲۴ ژانویه ۲۰۱۸ این سازمان پیش‌نویس این پیمان‌نامه را تصویب کرد.

ترکیه زندان وکلا

ترکیه نه تنها زندانی بزرگ برای روزنامه‌نگاران، فعالان حقوق بشر و فعالان سیاسی فراهم کرده بلکه زندانی است برای کسانی که از این افراد دفاع می‌کنند. حقوق بشر برای وکلا در ترکیه به طور گسترده نقض می‌شود. حکومت ترکیه در جولای سال ۲۰۱۶ پس از کودتای نافرجام نظامی وضعیت فوق‌العاده اعلام کرد. این وضعیت فوق‌العاده تاکنون ۷ بار تمدید شده است. دولت رجب طیب اردوغان با اعلام این وضعیت فوق‌العاده معاهدات حقوق بشری و بین‌المللی منطقه‌ای را موقتاً به تعلیق درآورده است و با بیش از ۳۰ حکم فوریتی حقوق اساسی را محدود کرده است. این اقدامات برای سرکوب صدای مخالفان و همچنین جلوگیری از اقدامات قانونی و حقوقی برای جرم و جنایات استفاده می‌شود. عدالت در ترکیه در این سال‌ها مفهوم خود را از دست داده و حاکمیت قانون در آن تضعیف شده است.

وکلا در ترکیه هدف حملات گسترده‌ای هستند. بازداشت خودسرانه، آزار و اذیت، تهدید، شکنجه، محاکمه‌های ناعادلانه با اتهامات واهی همگی اقداماتی حکومتی علیه وکلا هستند. بر اساس گزارش‌ها بیش از ۱۵۰۰ وکیل در ۳ سال اخیر بازداشت شده‌اند، حدود ۵۸۰ وکیل تحت پیگرد قانونی قرار گرفته‌اند و حدود ۱۴۰ نفر از آنها محکومیت‌هایی سنگین دریافت کرده‌اند.

وکالت در ترکیه امروزه به عنوان یکی از پرخطرترین مشاغل در این کشور به حساب می‌آید. وضعیت ناامن وکلای حقوق بشر در چین دولت کمونیستی چین نیز مانند بسیاری از کشورهای سرکوب‌گر جهان نه تنها فعالان حقوق بشر و مخالفان خود را سرکوب می‌کند بلکه وکلایی که از آنها دفاع می‌کنند را نیز تحت پیگرد قانونی و خشونت قرار می‌دهد. شبکه مدافعان حقوق بشر چین، ائتلافی که هم در داخل و هم در خارج از این کشور فعالیت می‌کند در اوایل سال ۲۰۱۸ اعلام کرد که در سال ۲۰۱۷ حداقل ۶ وکیل حقوق

تهدید به وسعت جهان و به قدمت تاریخ

وکلا در طول تاریخ هزینه‌های زیادی برای اجرای عدالت



داده‌اند. هانس لیتن، وکیل یهودی آلمانی که در سال ۱۹۳۱ هیتلر را در یک دادگاه به عنوان یک شاهد احضار کرده بود، ۷ سال بعد پس از تحمل شکنجه‌های بسیار در زندان خودکشی کرد.

نئو فاشیست‌ها در ۲۴ ژانویه ۱۹۷۷ در حمله به دفتر وکالتی در اسپانیا ۴ وکیل را کشتند.

در طی سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ در کلمبیا ۴۰۰ وکیل کشته شدند.

در فیلیپین از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵، ۴۴ وکیل کشته شدند.

ولید ابوالخیر وکیل رائف بدوی، وب‌لاگ نویس عربستانی به دلیل به عهده گرفتن وکالت او به ۱۵ سال حبس محکوم شد. او که مؤسس سازمان دیده بان حقوق بشر در عربستان سعودی است، نه تنها محکوم به ۱۵ سال زندان است بلکه پس از اجرای این محکومیت به مدت ۱۵ سال دیگر نیز حق خروج از کشور را نخواهد داشت.

همچنین اورلاندو گونزالس و اسکار ریوز، دو وکیل

ونزوئلایی که وکالت برخی از افراد بازداشت شده به بهانه مبارزه دولت علیه وضعیت اقتصادی را به عهده داشتند توسط دولت بازداشت شده‌اند.

بازداشت و تهدید وکلا در اغلب کشورهای آفریقایی،

آمریکای جنوبی و آسیایی نمونه‌های فراوانی دارد که نگرانی‌ها را درباره وخامت وضعیت حقوق بشر در این

کشورها گسترده‌تر می‌کند. گزارش‌های شورای اتحادیه‌ها و انجمن‌های حقوقی اروپا نشان می‌دهد که در حال

حاضر وکلای حقوق بشری در بیش از ۳۰ کشور جهان با ناامنی شغلی، تهدید و ارباب و بازداشت و زندان از سوی

حکومت‌ها روبه‌رو هستند. این شورا با ایجاد کمیته‌های ویژه پیگیری وضعیت وکلای بازداشت شده در جهان، ارائه

خدمات وکالتی، اعلام گزارش درباره وضعیت بازداشت شدگان، درخواست رسمی آزادی وکلا، درخواست شکستن

اعتصاب غذا و پیگیری خواسته‌های قانونی وکلا و رعایت حقوق متهمان بازداشت شده تلاش می‌کند تا با اقدامات

غیرقانونی دولت‌ها در بازداشت وکلا مقابله کند.

چرا وکلا در ایران بازداشت می‌شوند؟

«مصونیت، تامین و استقلال وکلا در ایران یک شوخی تلخ است»



مریم دهکردی

یک ضرب المثل قدیمی می‌گوید: «هر چه بگندد نمکش می‌زند؛ وای به روزی که بگندد نمک». این ضرب‌المثل را می‌شود به وضعیت دستگاه قضایی در جمهوری اسلامی تعمیم داد. سیستم قضایی که در آن به راحتی جایگاه ظالم و مظلوم تغییر می‌کند. جایی که نه تنها متهمان پرونده‌های سیاسی و امنیتی از دادخواهی‌های عادلانه در آن محرومند، که در روش جدیدش، وکلای آنها مورد تهدید و بازداشت قرار می‌گیرند.

ماده ۱۷ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب سال ۱۳۳۱ به صراحت می‌گوید: «هر کس مبادرت به توهین به وکیل دادگستری حین انجام وظیفه نماید از پانزده روز تا سه ماه محکوم به حبس تادیبی خواهد گردید.» از سوی دیگر وکلای دادگستری در مقام دفاع از شان قضایی برخوردارند اما در طول سال‌های گذشته و پس از انقلاب همواره با آنها برخورد شده است.

یکی از وکلای جوان دادگستری ساکن ایران در صفحه فیسبوک خود با اشاره به این ماده قانونی، از اتفاقی که در یکی از شعبات دادگاه برای وی افتاده، چنین می‌نویسد: «امروز در یکی از شعبات بازپرسی دادرسی... این ماده کمکم کرد. متصدی شعبه به عهده بازپرسی معمم بود و ایشان به دلایل واهی مانع اعلام وکالت و انجام وظایفم در پرونده مطروحه نزد شعبه می‌شدند. بعد از گفتگوهای بسیار و تذکره که شما حق ممانعت ندارید. با لحن پرخاشگرانه‌ای عرض داشتند که: «وکیل گنده تر از تو هم نمی‌تونه اینجا امر و نهی کنه برو هر



وقت جوهر مهر پروانه خشک شد برگردد.» ناگفته نماند که در حین گفتگو یا اصلاً سرشون رو بلند نمی‌کردن که نگاه کنند یا با چشمان بسته حرف می‌زدند. گفتم به صورت‌م نگاه کنید با من حرف بزنید. من اصلاً متوجه این نحوه رفتار تون، این ادبیات شما نمی‌شوم. شأن حرفه‌ای من به عنوان وکیل دادگستری، همانند شأن قاضی دادگاه است. شما که بازپرس هستید. شما حق بی‌احترامی به من رو ندارید... و کلی گفتگوی دوجانبه دیگه که کارساز شد و دستور اعلام وکالت و مطالعه پرونده رو صادر کردند.»

این تنها بخش کوچکی از وقایعی است که یک وکلای دادگستری در مسیر دفاع از موکل خود، متحمل می‌شوند. با ذکر این نکته که اگر پرونده متعلق به یکی از فعالان سیاسی، مدنی، اجتماعی و... باشد، شرایط وکالت برای وکیل به مراتب دشوارتر است.

اتفاقاتی که تا امروز برای وکلای دادگستری در ایران و در مسیر قبول وکالت متهمان دادگاه انقلاب اسلامی رخ داده، گویای وضعیت عدالت‌خانه و وکلا در ایران است. آنچه در ادامه می‌خوانید نمونه‌ای از این برخوردها علیه ناصرزرافشان، عبدالفتاح سلطانی، محمدعلی دادخواه، محمد سیف‌زاده، مصطفی دانشجو، محمد نجفی و احمد صدرحاج سیدجوادی و پاسخ به چند پرسش از سوی نازنین سروندانی کارشناس ارشد حقوق جرم و جزا در این رابطه است.

محمد نجفی از وکلای دادگستری در شهرستان شازند است که به بدلیل پیگیری پرونده وحید حیدری از کشته‌شدگان حوادث دی ماه ۱۳۹۶ در بازداشتگاه کلانتری ۱۲ اراک توسط نیروهای امنیتی دستگیر شد. پیام درفشان، وکیل محمد نجفی در گفتگو با رسانه‌ها اعلام کرد که بیش از ۸ اتهام متوجه او شده است: «اداره اطلاعات شازند چند سال است که با محمد درگیر است و چندین پرونده برای او درست کرده‌اند. بنده و آقای کیخسروی که به عنوان وکیل برای پی‌گیری به شازند رفته بودیم را هم اداره اطلاعات شازند می‌خواست بازداشت کند. بعد از اطلاعات تهران به ما گفتند که می‌خواستند شما را بازداشت کنند و ما نگذاشتیم.»

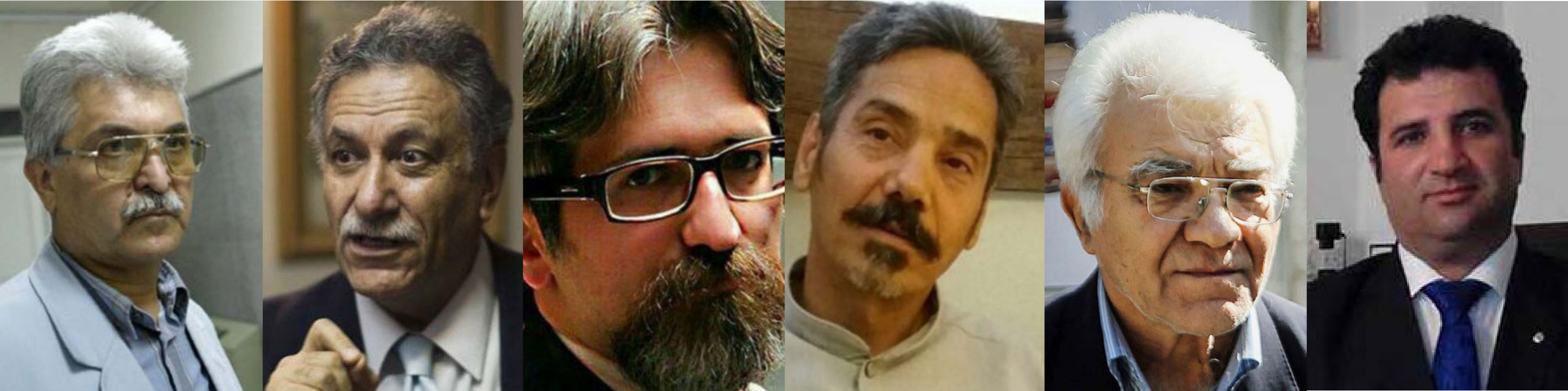
سماجت محمد نجفی در وکالت و پیگیری پرونده‌های سیاسی از جمله دلیل حساسیت مقامات امنیتی شهر اراک بر وی بوده است. علی‌رغم تجمع هجدهم اسفند ۱۳۹۶ جمعی از وکلای دادگستری در اعتراض به پرونده «محمد نجفی» در مقابل دادگستری شازند، بازداشت این وکیل دادگستری تا ۲۸ فروردین ۱۳۹۷ به طول انجامید و در نهایت با سپردن وثیقه یک میلیارد تومانی آزاد شد. این وکیل دادگستری در روزهای گذشته و پیش از اجرایی شدن حکم اعدام رامین حسین

پناهی زندانی سیاسی کرد نیز به دلیل سفر به کردستان و دیدار با «دایه شریفه»، مادر رامین حسین پناهی بازداشت و با قرار وجه التزام آزاد شده است. او در همین رابطه در فیسبوک خود نوشت: «اتهام من دل‌داری از دایه شریفه، مادری است که پسری زیر سایه دار دارد. من به آنچه متهم‌ام، مفتخرم. مگر رامین و لقمان و زانیار؛ این سه‌گانه زیر سایه دار، چه می‌خواهند جز محاکمه عادلانه و نه حتی محاکمه علنی.»

نازنین سروندانی در پاسخ به این پرسش که اساساً چرا با وکلا برخورد می‌شود می‌گوید: «اگر دقت کنید وکلایی که بازداشت شده‌اند همگی پیگیر پرونده‌هایی بوده‌اند که از سوی قوه قضائیه مصداق بارز اقدام علیه امنیت ملی، اجتماع و تبانی، تبلیغ علیه نظام، عضویت در گروه‌های معاند، نشر اکاذیب، توهین به مقامات جمهوری اسلامی، اخلال در نظم و آسایش عمومی از طریق شرکت در اغتشاشات تلقی می‌شود. این برای ما و همکارانمان یک پیام دارد و آن هم این است که حتی اگر هیچ مستندی برای اثبات این احکام وجود نداشته باشد هم کسی حق ندارد از متهمان اینگونه پرونده‌ها دفاع کند؛ دفاع از این افراد به مثابه تقابل با نظام جمهوری اسلامی است و طبعاً حاکمیت این تقابل را نمی‌پذیرد و در صدد مقابله با آن برمی‌آید. راه تقابل هم ایجاد رعب و وحشت در میان همکاران من برای پذیرفتن چنین پرونده‌هایی است.»

مصطفی دانشجو: این وکیل و فعال حقوق درواپش گنابادی بیش از ۴ سال در زندان‌های اوین و ساری محبوس بوده است. او ابتدا در اردیبهشت سال ۹۰ با حکم هفت ماه حبس تعزیری، راهی زندان ساری شد. در مدت تحمل این حکم با تشکیل پرونده جدیدی مواجه و با اضافه شدن سه سال و شش ماه حبس تازه، به زندان اوین منتقل شد. حکم آزادی این وکیل فعال حقوق درواپش - که به علت بیماری ریوی و آسم شدید در بیمارستان شهدای تجریش بستری شده بود - در اردیبهشت ۱۳۹۴ در بیمارستان اجرا و وی آزاد شد. او که دانشجوی رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی در مقطع کارشناسی ارشد بود، از ادامه تحصیلات تکمیلی بازماند.

مصطفی دانشجو که پروانه وکالتش در جریان «دفاع از حقوق جامعه درواپش طریقت نعمت‌اللهی گنابادی» ابطال شده و امکان مداخله در پرونده‌های قضایی را ندارد، یک بار دیگر هم در خانه مادرش توسط هفت مامور مسلح بازداشت و پس از ۴۵ روز نگهداری در سلول‌های انفرادی بند ۲۰۹ بازداشتگاه وزارت اطلاعات، به قرنطینه اوین و سپس به بند ۴ که مخصوص نگهداری مجرمان مالی و اقتصادی است منتقل شد. اتهام وی این بار به حوادث گلستان هفتم مرتبط بود. نازنین سروندانی در خصوص اتهام زنی به وکلای مستقل و

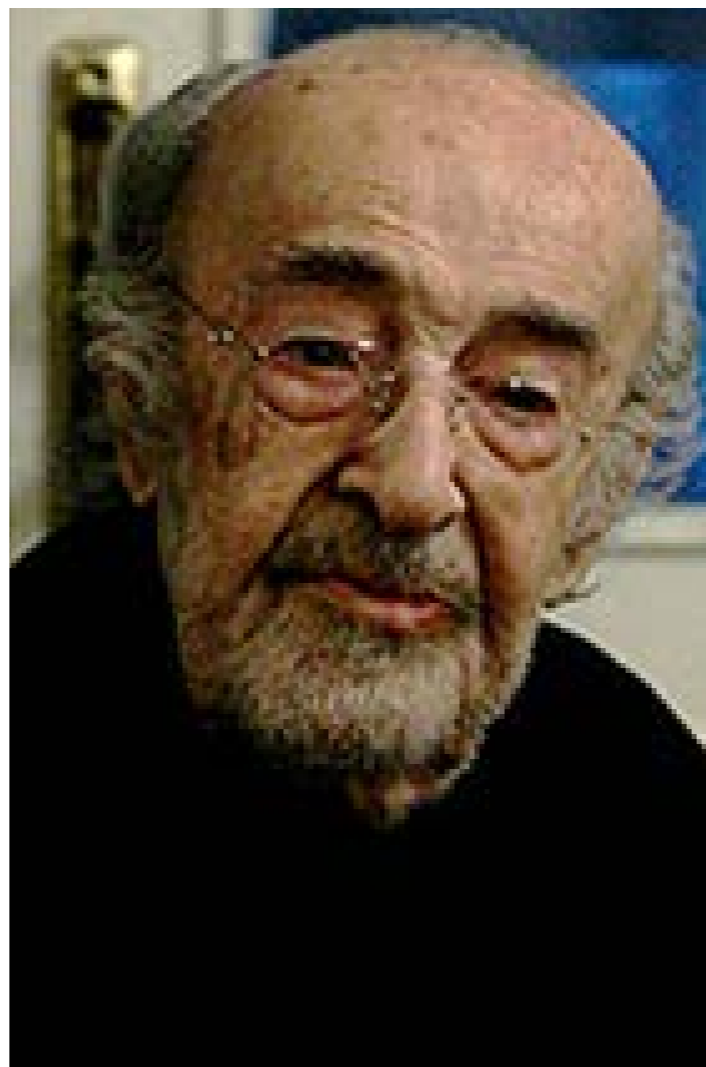


و با اتهام «فعالیت تبلیغی علیه نظام» مواجه شد. اتهامی که منجر به صدور حکم تازه «شش سال زندان» علاوه بر دو سال قبلی گردید.

او در همین نامه گفته بود: «دادگاه انقلاب اسلامی را از اساس غیرقانونی دانسته و به دلیل نبود هیات منصفه و علنی نبودن دادگاه آن را نامشروع و به دلیل دخالت مقامات اطلاعاتی در روند رسیدگی قضایی، آن را عادلانه نمی‌داند.»

نازنین سروندانی از شاگردان محمد سیف زاده بر این باور است که وکلایی همچون محمد سیف‌زاده تنها و تنها به این دلیل مورد غضب دستگاه قضا قرار می‌گیرند که در حوزه حقوق بشر گام بر می‌دارند. شما فکر می‌کنید دلیل اینکه قوه قضاییه فهرست می‌دهد که بعد از این وکلای مورد وثوق ما فقط در پرونده‌های امنیتی و سیاسی می‌توانند وارد شوند؟ چون کسی مانند آقای سیف زاده که استاد من بوده و من می‌دانم حقوق بشر برای او چه جایگاهی دارد حاضر نمی‌شود استقلالش را زیر پا بگذارد و تن بدهد به منویات حاکمیت.»

محمدعلی دادخواه یکی دیگر از بنیانگذاران کانون مدافعان حقوق بشر ایران را به فاصله کمتر از یک‌ماه پس از اعلام نتایج انتخابات مناقشه برانگیز ریاست جمهوری دور دهم بازداشت کردند. ماموران امنیتی در روز ۱۷ تیرماه ۱۳۸۸ با ورود به دفتر وکالت محمدعلی دادخواه؛ او و سایر همکاران حاضر در دفترش را بازداشت کردند. دکتر دادخواه، در آن روز در حالی بازداشت شد که با شماری از وکلای جوان، برای بحث درباره آیین‌نامه جدید قوه قضاییه دور هم جمع شده بودند. آیین‌نامه‌ای که جامعه وکلای ایران گفته بود که استقلال کانون وکلا را از میان می‌برد. ماموران امنیتی «ملیحه دادخواه، سارا صباغیان، بهاره دولو و امیر رئیس‌سیان» همگی از وکلای دادگستر نیز با خود برده و دفتر وکالت آقای



ایجاد موانع و محدودیت‌هایی که گاه به بازداشت آنها منجر شود می‌گوید: «واقعیت این است که وکلای مستقل نه مورد حمایت کانون وکلا هستند و نه مورد تایید قوه قضاییه. همین امر منجر می‌شود خیلی راحت و بدون هراس هر جا که لازم باشد به آنها اتهاماتی وارد شده و مجازات‌هایی هم تعریف شود. مثلاً نسربین ستوده را ببینید. او حامی و مدافع دختران خیابان انقلاب بود. پرونده چند تن از آنها را پذیرفت و در نهایت به زندان رفت. پیش‌تر هم برای مدت دو سال پروانه وکالتش از سوی کانون وکلا که می‌بایست از حقوق او به عنوان یکی از اعضای برجسته اش دفاع کند تعلیق شد. این اتفاق فقط برای یک وکیل مستقل می‌افتد. اما کانون وکلا از استقلال کافی برای دفاع از اعضایش برخوردار نیست.»

محمد سیف زاده، از اعضای موسس کانون مدافعان حقوق بشر در آبان ماه سال ۸۹ به اتهام اقدام علیه امنیت ملی از طریق شرکت در تاسیس کانون مدافعان حقوق بشر ایران به ۹ سال زندان و ۱۰ سال محرومیت از وکالت محکوم شد. اردیبهشت ماه ۱۳۹۰ نیز به اتهام «خروج غیر قانونی از کشور» توسط نیروهای امنیتی در ارومیه بازداشت شد و پس از دو ماه بازجویی به زندان اوین منتقل و یک ماه را در سلول انفرادی گذراند. محمد سیف زاده، یکی از زندانیان بند ۳۵۰ زندان اوین بود که در نامه‌ای بر بدرفتاری ماموران با هدی صابر، فعال ملی مذهبی پیش از مرگ در زندان شهادت داد.

سیف زاده مرداد ماه ۱۳۹۰ در نامه‌ای که از زندان خطاب به محمد خاتمی نوشت؛ از «نقض گسترده حقوق قضایی در نظام دادگستری ایران» نوشته و گفته بود: «هیچ راهی جز انحلال و برچیدن این مراجع غیرقانونی و اصلاح ساختاری قوه قضاییه وجود ندارد.»

چند روز پس از انتشار این نامه وی به دادرسی اوین احضار

دادخواه را نیز پلمب کردند. آنها در پایان آن روز آزاد شدند اما مأموران امنیتی گفتند در حین بازرسی از دفتر محمدعلی دادخواه کشف اسلحه و مواد مخدر کشف شده است.

دادخواه وکیل پرونده های مهمی بوده و موکلانش همه از خطوط قرمز نظام عبور کرده بودند. پرونده «حسین رونقی ملکی»، «براهیم یزدی»، «یوسف ندرخانی»، کشیش محکوم به اعدام، «واقعیه حسینییه در اویش گنابادی»، پرونده «عبدالفتاح سلطانی»، پرونده «ملی مذهبی ها»، «آبگیری سد سیوند» و «ساختن برج جهان نما در اطراف میدان نقش جهان اصفهان» از جمله این پرونده ها هستند. او به دلیل همین فعالیت ها به ۱۰ سال ممنوعیت از وکالت در دادگستری، هشت سال زندان به علت براندازی نرم و سخنگویی کانون مدافعان حقوق بشر، یک سال زندان به علت فعالیت تبلیغی علیه نظام و جمهوری اسلامی و همچنین به شلاق و چند فقره جزای نقدی محکوم شد.

دکتر عبدالفتاح سلطانی: این چهره شناخته شده، وکالت پرونده های قضایی مهمی مانند «اکبر گنجی، زهرا کاظمی، زهرا بنی یعقوب، نیروهای ملی مذهبی، سهیل آصفی، کانون صنفی معلمان، اعضای سندیکای شرکت واحد، هاله اسفندیاری و هفت بهایی بازداشت شده در ایران» را برعهده داشته است.

او هم به مانند دکتر دادخواه، پنج روز پس از برگزاری انتخابات پرمناقشه دور دهم ریاست جمهوری ایران، در دفتر کار خود بازداشت و بیش از ۷۰ روز را در بازداشتگاه گذراند. «معصومه دهقان»، همسر آقای سلطانی در مدت بازداشت وی با انتشار نامه ای خطاب به صادق لاریجانی رئیس دستگاه قضایی ایران، اعلام کرد: «حکم بازداشت همسرش توسط کسانی صادر شده که خود طرف دعوی حقوقی او هستند.» خانم دهقان در این زمینه به رسانه ها گفته بود: «آقای سلطانی مدت ها پیش از

بازداشت خود از سعید مرتضوی، متین راسخ و قاضی حداد شکایت کرده بود و حکم بازداشت اخیر وی توسط «قاضی راسخ» صادر شده که در این مورد بی طرف نیست.»

او در ادامه نامه خود با بیان اینکه «عبدالفتاح سلطانی در هیچ یک از فعالیت های انتخاباتی شرکت نداشته و تنها یک فعال حقوقی است»، توجه رئیس دستگاه قضایی را به مواردی از نقض حقوق شهروندی آقای سلطانی مانند «زدن چشم بند» و «عدم ملاقات حضوری با خانواده و وکیل» جلب کرده بود. نازنین سروندانی در تحلیل حکم سنگین صادر شده برای عبدالفتاح سلطانی می گوید: «سال ۸۴ آقای سلطانی موکلانی داشت که از کارکنان سازمان انرژی اتمی بودند. در طی دفاع از آنها، از مشکشان اطلاع رسانی کرد اما دستگاه قضا این اطلاع رسانی را «افشای اطلاعات پرونده» تلقی کرد. به طور کلی اگر به پرونده وکلای بازداشت شده نگاه کنید در هیچ یک جزییات پرونده مشخص نیست و هیچگونه شفاف سازی در این رابطه صورت نگرفته است. در آخرین مورد حتی به خود خانم ستوده هم گفتند تا فلان صفحه پرونده را میتوانی بخوانی، بقیه اش محرمانه است. یعنی حتی تفهیم اتهام هم درست و دقیق به خود متهم صورت نمیگیرد. در مورد آقای سلطانی هم مشخص نیست کدام یک از اطلاعاتی که به نظر آقایان از پرونده افشا شده محرمانه بوده و مصداق امر جاسوسی به حساب آمده و اساسا یک وکیل چطور بدون ارائه اطلاعات از مشکلات پرونده موکلانش میتواند از او دفاع کند؟ همانطور که قبلا هم اشاره کردم، وکیل در مقام دفاع به قدر یک قاضی مصونیت و تامین دارد اما در واقعیت این یک قصه و تعارف است. اگر مستندی در مورد جاسوسی آقای سلطانی موجود بود حکم ۵ سال زندان و ۲۲۰ ضربه شلاق صادر شده در دادگاه بدوی توسط دادگاه تجدید نظر لغو و وی از کلیه اتهامات وارده تبرئه نمی شد.»

ناصر زرافشان: از وکلای پرسابقه دادگستری در ایران است که در پرونده قتل های زنجیره ای، وکالت اولیای دم «محمدجعفر پوینده»، «محمد مختاری» و «داریوش و پروانه فروهر» را به همراه شیرین عبادی و احمد بشیری برعهده داشته است. پرونده ای که وکلای قربانیان در فاصله دو ساله تا موعد برگزاری دادگاه پرونده قتل های زنجیره ای اجازه مطالعه پرونده را نیافتند و تنها چند هفته قبل از برگزاری دادگاه، اجازه پیدا کردند بخش هایی از پرونده را با حضور در سازمان قضایی نیروهای مسلح مطالعه کنند.

آذرماه ۱۳۷۹ ده روز پیش از برگزاری دادگاه، ناصر زرافشان به اتهام «افشای اسرار پرونده و تشویش اذهان عمومی» بازداشت شد.

دکتر زرافشان پس از برگزاری دادگاه که به دلایل متعدد از سوی بازماندگان حادثه تحریم شده بود. به طور موقت آزاد شد اما در اسفند ماه همان سال، به دلیل پیگیری های مربوط به پرونده قتل های زنجیره ای از سوی سازمان قضایی نیروهای مسلح به ۵ سال زندان و ۵۰ ضربه شلاق محکوم شد.

نازنین سروندانی در ارتباط با بازداشت این وکیل سرشناس و دلایل عنوان شده برای بازداشت او نیز نظری مشابه دارد: «دستگاه قضایی معتقد بود قتل ها کار یک گروه فاسد و خودسر نفوذی در وزارت اطلاعات است. در عین حال اما آقای زرافشان را به اتهام «افشای اسرار دولتی» محکوم به ۵ سال حبس و ۵۰ ضربه شلاق کرد. حتی وی را تهدید کرده بودند اگر از پرونده کنار نکشد به شکل دیگری او را کنار خواهند زد! بنابراین می بینید که ماجرای استقلال و مصونیت وکیل در ایران همانطور که پیش تر هم گفتم بیشتر یک شوخی است و با چنین رویکردی امکان پذیر نیست.»

شاید این روایت پرستو فروهر از ملاقات با دکتر احمد صدر حاج سیدجوادی که پیش از انقلاب در دادگاه نظامی، به عنوان

وکیل علی خامنه ای، دکتر علی شریعتی و آیت الله حسینعلی منتظری حضور داشت و از آنها دفاع کرده بود، بهترین و شفاف ترین تصویر از زندگی پر اضطراب مدافعان حقوق بشر در ایران باشد: «نزدیک ظهر زنگ خانه را می زنند. در را که باز می کنم، آقای حاج سیدجوادی را می بینم که عصا به دست در محاصره مأموران ایستاده است. پیرمرد توانسته بی سروصدا از صف مأموران عبور کند و وارد کوچه شود، اما همین که زنگ خانه ما را زده، به سوی او هجوم آورده اند. بر سر او فریاد می زنند: «فوری برگرد!» او رنگش پریده و با نفس های بریده زیر لب آیه ای از قرآن می خواند که من نمی فهمم. پیرمرد به مأموران توضیح می دهد که قصد داشته تنها تسلیتی بگوید و برگردد. در حالی که به عصا تکیه داده، سری تکان می دهد و می گوید: «جنگ که نشده است!» مأموران به او اجازه ورود نمی دهند و همچنان با توهین و ناسزا بر سر او فریاد می کشند. از نگهبان خانه خواهش می کنم که برای آقای حاج سیدجوادی چایی و صندلی بیاورد، تا پیرمرد اندکی استراحت کند. به طرف مأموران فریاد می زنم: «اگر سر پیرمرد بلایی بیاید، گناهش با شماست.» آنها کنار می ایستند و با بی سیم با فرمانده خود تماس می گیرند. آقای حاج سیدجوادی لختی روی صندلی می نشیند و چای می نوشد. من کنار او زانو می زنم و سرم را روی زانوی او می گذارم. پیرمرد موهایم را از روی روسری نوازش می کند در حالیکه همچنان زیر لب ورد می خواند. سپس از جا بر می خیزد برای پدر و مادرم دعا می خواند و با گام های آهسته از خانه دور می شود.» (ص ۱۶۵) ●

● کتاب «سرزمینی که در آن پدر و مادرم به قتل رسیدند» در ۲۰۰ صفحه توسط انتشارات هردر به زبان آلمانی منتشر شده است





عمده استدلال طرفداران مصونیت وکلا بر ضرورت آن به واسطه جایگاه شغلی و مصلحت ایجاب شده به منظور اجرای عدالت استوار است. بر این اساس لزوم بهره‌مندی از حق دفاع توسط وکیل و نیز لزوم قانونی بودن امر قضاوت و دادرسی قضایی ایجاب می‌کند که وکلای دادگستری بدون هیچ‌گونه ترس و واهمه‌ای اقدام به دفاع از موکل خود کرده و تمام تلاش خود را برای این منظور به کار گیرند. از طرفی، از آنجا که اساسا جایگاه نهاد وکالت دادگستری در پاسداری از حقوق عمومی و اولیه جامعه در برابر نهادهای قدرت، جایگاهی ویژه است، عدم بهره‌مندی از معافیت‌های قضایی سبب خواهد شد که این نهادها با اعمال فشار، ارعاب، تهدید و تطمیع وکلای دادگستری عملا آنها را از مسیر خود خارج ساخته و حقوق عمومی افراد را به راحتی قربانی امیال قدرت طلبانه و تمامیت‌خواه خود کنند. از طرف دیگر، بنا بر یکی از اصول مسلم علم حقوق، اساسا فلسفه جرم و مجازات بر مبنای قصور و عمد مجرمانه استوار

بیشتر مصونیت‌های قضایی در دنیای امروز مانند مصونیت نظامیان، نمایندگان مجلس و یا قضات دادگستری، در نتیجه دستاوردهای حقوق بشری علم حقوق و نیز لزوم حاکمیت قانون در اکثر کشورها شکلی بوده و مصونیت ماهوی دیگر جایگاهی در نظام‌های حقوقی ندارند. در این میان اما مصونیت وکلای دادگستری، به اعتقاد بسیاری از حقوقدانان مصونیتی توأمان بوده و آنها باید از هر دو نوع مصونیت قضایی بهره‌مند باشند. بدین معنی که لازمه اجرای وظیفه وکالت، بهره‌مندی از مصونیت ماهوی در اموری است که به طور مستقیم با انجام این وظایف گره خورده است مانند بهره‌مندی از آزادی در دفاع از موکل و آزادی در بیان حقایق و مسائل مرتبط با پرونده. بر این اساس وکلای دادگستری باید از هرگونه تعقیب قضایی در موارد مرتبط با وظایف وکالت در امان بوده و نمی‌توان آنها را به دلیل بیان نظراتشان یا افشای حقایق و مسائلی که به دفاع از موکل کمک می‌کند، مجرم شناخته و مورد پیگرد قرار داد.

مصونیت وکلای دادگستری؛ یک الزام قضایی جهانی



معین خزالی

۱۴، در روم باستان به قرن ۱۵ و در فرانسه به قرن ۱۸ میلادی باز می‌گردد؛ به روشنی نشان دهنده لزوم این مسئله به عنوان اصلی خدشه‌ناپذیر برای اجرای عدالت است.

لزوم مصونیت قضایی وکلا

قانونگذاران در نظام‌های حقوقی مختلف تعاریف متفاوتی از «مصونیت وکلا» ارائه داده و مقدار و شکل این مصونیت در هر نظام حقوقی بسته به قانون آن متفاوت است. در عین حال اما به طور کلی منظور از مصونیت قضایی، استفاده از معافیت‌هایی است که به سبب حقیقی یا حقوقی بر اشخاص یا اموال اجرا شده و به واسطه آن بتوان آنها از برخی قوانین معاف دانست.

روشن است که این معافیت‌ها به معنی چشم‌پوشی و عدم اجرای اصل برابری نبوده و هدف از آنها تضمین حقوق و آزادی‌هایی است که افراد دارای معافیت به واسطه جایگاه خود لازم به بهره‌مندی از آن هستند.

مصونیت‌های قضایی به طور کلی مشتمل بر دو نوع ماهوی و شکلی بوده و بر مبنای آن افراد بهره‌مند دارای حقوق ویژه‌ای خواهند بود. بر این اساس در مصونیت ماهوی فرد بهره‌مند به طور کلی از شمول قانون خارج شده و به عنوان مثال در صورت ارتکاب فعلی مجرمانه، ممنوع از تعقیب یا مجازات است. در ماهیت شکلی اما فرد مصون، مشمول قوانین موضوعه است اما شیوه اجرای آنها در مورد او تابع تشریفات خاصی خواهد بود.

به طور کلی شغل وکالت دادگستری به دلیل ماهیت و ذات خود دارای ویژگی‌ها و ضرورت‌های خاصی بوده و همین ویژگی‌ها سبب شده تا افراد شاغل در این حرفه را در معرض آسیب‌پذیری‌های متفاوت و فراوانی قرار دهد. از یک سو احتمال عداوت، کینه و دشمنی طرف مقابل دعوا و تلاش وی یا نزدیکانش برای آسیب رساندن به وکیل یا خانواده به منظور انتقام‌گیری یا ترساندن او از ادامه کار، و از سوی دیگر امکان مداخله نهادهای قدرت در روند پرونده‌های قضایی از طریق ارعاب، تطمیع و یا تهدید وکیل به بازداشت یا حتی قتل او، و یا تلاش به منظور دخالت در پرونده قضایی و جلوگیری از انجام وظایف ذاتی وکالت.

روشن است که در چنین شرایطی عدم حمایت قانونی لازم از وکلای دادگستری سبب می‌شود که آنها در عمل نتوانند وظایف خود را که همان احقاق حقوق افراد و تلاش برای اجرای عدالت است، به درستی به انجام برسانند. از این رو بر اساس یکی از آموزه‌های شناخته شده و پذیرفته علم حقوق، به دلیل همان مخاطرات و نیز در راستای اجرای بهتر وظایف وکالت، نظام‌های حقوقی در اکثر قریب به اتفاق کشورها اقدام به شناسایی مصونیت قضایی برای وکلای دادگستری و حمایت از آنها کرده‌اند.

سابقه چند صد ساله حمایت از وکلای دادگستری در راستای انجام بهتر وظایف وکالت خود که در انگلستان به اوایل قرن

بوده و بر این مبنا نمی‌توان فردی را به دلیل ارتکاب فعلی که هیچ عمد و یا قصوری در انجام یا ترک آن نداشته تحت پیگرد قرار داد. از این رو روشن است که ایجاد محدودیت برای وکلای دادگستری به صرف انجام وظیفه شان خلاف این اصل پذیرفته شده بوده و عقلا و عرفا نباید و کیلی را به دلیل بیان مسائلی که در راستای انجام وظایف و کالتش بوده مقصر دانست و یا فعل او را تعدمی مجرمانه به شمار آورد، چرا که اساسا سوءنیتی در ارتکاب فعل توسط وکیل وجود نداشته و هدف صرفا دفاع از موکل و اجرای عدالت بوده است.

رویکرد جهانی به موضوع مصونیت قضایی وکلا

امروزه تعداد قابل توجهی از نظام‌های حقوقی در کشورها مصونیت وکلای دادگستری را به رسمیت شناخته و به صورت مشخص قوانین مدونی در راستای اجرای آن تصویب کرده‌اند. در فرانسه وکلای دادگستری از هر دو نوع مصونیت ماهوی و شکلی بهره‌مند بوده و قانون سال ۱۸۸۱ این کشور مبنی بر اینکه که «اگر وکیلی در لایحه دفاعیه خود مبادرت به توهین به توهین یا هتک حرمت یا افترای علنی نسبت به طرف دعوا یا شهود قضیه کند و امور مذکور مربوط به دعوا باشد از مجازات معاف است» همچنان قابلیت اجرا دارد. ضمن اینکه این کشور در سال ۱۹۵۰ مکمل‌هایی برای تعیین مصادیق معلوم این قانون را به آن اضافه کرد.

در آلمان، ایتالیا، یونان، اسپانیا، بلژیک، انگلستان و تعداد دیگری از کشورهای اروپایی نیز مصونیت وکلای دادگستری ترکیبی از هر دو نوع مصونیت بوده، هر چند درجات آن بنا بر قوانین داخلی این کشورها متفاوت است.

در مقابل در برخی از کشورها از جمله لبنان، مراکش، اندونزی، مالزی و برخی دیگر از کشورهای جنوب شرق آسیا و نیز شمال آفریقا وکلا تنها از مصونیت شکلی قضایی بهره‌مند هستند. در این زمینه به عنوان مثال ماده ۷۹ قانون وکالت در لبنان تعقیب وکیل در مورد جرایم غیر مشهود را که به سبب انجام وظیفه وکالت وی صورت می‌گیرد منوط به صدور قرار از طرف کانون وکلای این کشور کرده است.

گذشته از نظام‌های حقوقی کشورها، برخی از اسناد و توافق نامه‌های بین‌المللی نیز بر اصل مصونیت قضایی وکلا تاکید کرده و تعدادی نیز به طور غیر مستقیم به آن اشاره کرده‌اند. در این زمینه اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به طور غیر مستقیم و اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی به طور مستقیم بر تضمینات مورد نیاز



وکلا دادگستری تاکید کرده‌اند.

ضمن اینکه برخی از اسناد ویژه بین‌المللی از جمله سند هشتمین کنفرانس جهانی سازمان ملل در زمینه پیشگیری از جرم و رفتار با مجرمین درهاوانا در سال ۱۹۹۰ یا اساسنامه کانون بین‌المللی وکلا به صورت اختصاصی بر نقش وکلای دادگستری در نظام‌های قضایی و لزوم تضمین و تامین آزادی‌های آنان برای انجام وظایف وکالت تاکید کرده‌اند.

رویکرد قوانین موضوعه ایران به مصونیت قضایی وکلا در ایران ماده ۳۵ قانون اساسی این کشور و نیز ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری و یا ماده ۳۱ قانون آیین دادرسی مدنی بر نقش پر اهمیت وکیل در پرونده‌های قضایی تاکید کرده‌اند. اصرار بر این نقش تا حدی است که بر اساس تبصره یک ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری هرگونه جلوگیری از حق برخورداری از وکیل، جرم بوده و مجازات در پی خواهد داشت.

همچنین بنا بر نقش پراهمیت وکیل در نظام حقوقی ایران، مواد ۱۶، ۱۷ و ۱۸ قانون استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳ که علی‌رغم اصلاحاتی که خورده، همچنان جاری و ساری است، مصونیت قضایی وکلا را به رسمیت شناخته و مورد پیگرد قرار داده آنها را تابع ساز و کار خاصی کرده است. بر این اساس هیچ وکیلی را نمی‌توان از انجام شغل وکالت محروم کرد مگر با حکم قطعی دادگاه انتظامی وکلا.

از طرف دیگر تبصره ۳ ماده واحده مربوط به «حق انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوی» مصوب ۱۳۷۰ در ایران، مصونیت قضایی وکلای دادگستری را به مثابه مصونیت قضات دانسته و به وضوح اعلام می‌دارد که «وکیل در موضع دفاع از احترام و تأمینات شاغلین شغل قضا برخوردار است.» از این رو روشن است که با توجه به ماهیت مصونیت قضایی قضات که ترکیبی از مصونیت ماهوی و شکلی است (هرچند تاکید بیشتر مصونیت شکلی است تا مصونیت ماهوی)، بر اساس این ماده واحده، وکلای دادگستری نیز در ایران از مصونیت قضایی برخوردار بوده و جدای از اینکه تعقیب قضایی آنان تابع ساز و کار خاصی است، بلکه نمی‌توان آنها را به سبب انجام وظایف وکالت مجرم شناخته و مورد پیگرد و مجازات قرار داد.

قانونی که عمل خلاف آن در ایران به ویژه در سال‌های اخیر به یک اصل تبدیل شده و رعایت آن به ویژه توسط خود دستگاه قضایی این کشور آرزویی دست نیافتنی به نظر می‌رسد.

کانون و کلا، نهادی که از وکلا حمایت نمی کند



نقی محمودی

اما در صورتی که وکیل، هیچ گونه تخلف انتظامی مرتکب نشده ولی دستگاه‌های امنیتی، به انحاء مختلف آنها را تحت فشار، تهدید، تضییق، تحدید فعالیت، تعقیب کیفری قرار دهند، باز هم این کانون وکلای دادگستری است که وظیفه حمایت از حقوق همکاران خود را به عهده دارد. این گونه اعمال فشار در مواقعی اتفاق می‌افتد که وکلا، دفاع از حقوق متهمان سیاسی و عقیدتی را بر عهده می‌گیرند و چون حاکمیت در این گونه موارد، خود مدعی و شاکی از چنین متهمانی است، دفاع وکلای دادگستری از این متهمان را، تقابل با حاکمیت قلمداد و نسبت به آن، واکنش شدید نشان می‌دهند.

کانون وکلای دادگستری ترکیه و پاکستان، به عنوان نمونه دو کانون وکلای دادگستری در منطقه هستند که در طول حیات خود همواره از همکاران خود در مقابل هیئت حاکمه دفاع و حمایت کرده و در بیشتر مواقع هیئت حاکمه را به خاطر تضییقات، نسبت به همکاران خود به چالش کشیده‌اند. متأسفانه در ایران، چنین حمایتی از سوی کانون‌های وکلا نسبت به همکاران خود صورت نمی‌گیرد. شاید دلیل این مسئله روشن باشد، کاندیداهای عضویت در کانون‌های وکلای دادگستری در ایران توسط اداره اطلاعات، تأیید صلاحیت می‌شوند! پر واضح است که پس از تأیید صلاحیت نیز، اعضای منتخب هیئت مدیره‌های کانون وکلای دادگستری، تحت نظارت و کنترل وزارت اطلاعات قرار دارند. به همین سبب، اعضای منتخب در هیئت مدیره کانون وکلای دادگستری، برای ادامه فعالیت و همچنین تأیید صلاحیت برای دوره‌های بعدی، سعی می‌کنند که دست از پا خطا نکنند. چنین مشی محافظه‌کارانه‌ای، بی تردید امنیت وکلا را حداقل از جانب همکاران خود در هیئت مدیره‌های کانون وکلا، به مخاطره می‌اندازد.

انجمن‌ها، اتحادیه‌ها، سازمان‌ها و سندیکاهای صنفی، بر اساس حمایت و پشتیبانی از همکاران خود تاسیس می‌شوند. این گونه حمایت‌ها، هم در ارتباط با ادعاها و شکایت‌های سایر موسسات و سازمان‌های صنفی و تجاری و هم در برابر تضییقات و عدم رعایت حقوق اعضا توسط دولت‌ها، به منصفه ظهور می‌رسند. در اکثر کشورها، خاصه کشورهای اروپائی، سندیکاهای صنفی، در مواقع اعتصاب همکاران‌شان، از لحاظ مالی و حقوقی اقدام به حمایت از آنها می‌کنند. به عنوان مثال در ایام اعتصاب، اقدام به پرداخت حقوق به همکاران خود کرده یا در صورت بازداشت و محاکمه‌ی همکارانشان به دلیل اعتصاب، حمایت‌های لازم حقوقی از قبیل استخدام وکیل دادگستری برای آنها می‌کنند. چنین حمایت‌هایی، سبب استحکام اراده و تأمین امنیت اعضا می‌شود و بالعکس در صورت عدم حمایت در اکثر مواقع، باعث سستی انگیزه و عدم راسخیت در اعتراض به اجحاف و تضییع حقوق.

کانون‌های وکلای دادگستری، به لحاظ ماهیت خود و این که حوزه فعالیت‌شان در امور حقوقی است، در کنار حمایت از همکاران خود، در صورت بروز تخلف صنفی و انتظامی، نسبت به پیگیری تخلفات صورت گرفته اقدام و در صورت احراز وقوع تخلف انتظامی، نسبت به مجازات همکار وکیل نیز مبادرت می‌ورزند. به همین منظور در چارت تشکیلاتی کانون‌های وکلای دادگستری، دادسرا و محاکم انتظامی در نظر گرفته می‌شود. حتی گاه، در صورت ارتکاب جرم توسط یکی از وکلا، ممکن است کانون وکلای دادگستری به صورت موازی با دادگستری، نسبت به رسیدگی به ارتکاب این جرم وکیل اقدام و مجازات انتظامی متناسب را اعمال کنند.



در طول حیات سی و نه ساله جمهوری اسلامی، کم نبودند وکلای حقوق بشری که صرفاً به خاطر دفاع از متهمان سیاسی و عقیدتی، در معرض انواع تهدیدها و مخاطرات قرار گرفته‌اند. عده‌ی زیادی از این وکلای حقوق بشری، مجبور به ترک کشور شدند، عده‌ای از فعالیت بازماندند و عده‌ای دیگر اسیر زندان‌ها شدند. در حال حاضر، چندین نفر از وکلای حقوق بشری، در زندان‌ها محبوسند ولی متأسفانه هیچ گونه حمایتی از سوی کانون‌های وکلای متبوع خود نشده و نمی‌شوند. یکی از این وکلا، عبدالفتاح سلطانی است که قریب به ۷ سال است که متحمل حبس ناعادلانه شده است. در این مدت، دختر جوانش دق مرگ شد ولی خودش همچنان در پشت میله‌های زندان است. کانون وکلای دادگستری مرکز، تا به حال هیچ اقدامی در راستای حمایت از عبدالفتاح سلطانی و دیگر وکلای تحت فشار یا محبوس نکرده است. پس از فوت دختر این وکیل شریف، رئیس کانون وکلای دادگستری آذربایجان شرقی که خود روزی در کسوت قضا بوده و از قضات خوشنام محسوب می‌شد، تقاضایی از دادستان دادرسی عمومی و انقلاب تهران کرده است که «بدون هیچ شرحی» بخشی از آن را اینجا می‌آورم: «... در روزنامه‌ی شرق مورخ یکشنبه چهاردهم مرداد نود و هفت، خواندم که یک نفر زندانی! مرگ جانگداز فرزند سی ساله اش را در اثر سکنه قلبی شنیده و برای شرکت در مراسم تشییع جنازه، به او اجازه شرکت در تشییع جنازه و تدفین

داده شده است و مقامات محترم عالی قضائی و وکیل مدافع زندانی محکوم به حبس! با احراز شرایط قانونی تقاضای آزادی مشروط نموده‌اند. با خواندن این خبر به یاد خاطرات گذشته خود و پرونده‌های کیفری افتادم. معتقدم نبض جامعه در دست و اختیار مدعی‌العموم است، سعادت جامعه منوط به سعادت تک تک آحاد جامعه است، شفاعت و احسان و تخفیف به جا و قانونی در حق یک اسیر قانون، یک فضیلت است. به نوبه خودم و به عنوان عضوی از جامعه قضاوت و با لحاظ نمودن شفاعت، استدعا دارم به طریق قانونی و در تسکین دردهای یک پدر محکوم زندانی فرزند مرده، بر اساس ضوابط قانونی و این که شرعاً شفاعت در امر خیر پذیرفتنی است نسبت به بذل محبت خود دریغ نفرمایند.»

با تصویب قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی و اجتماعی و گنجاندن ماده ۱۷۸، جمهوری اسلامی سعی کرد نهادی موازی با کانون‌های وکلای دادگستری ایجاد و با وابسته کردن این وکلا به قوه قضائیه، کنترل وکلایی که از این طریق اقدام به اخذ پروانه وکالت دادگستری می‌کنند را در دست داشته باشد. چنین نیز شد و وکلای مطیعی تربیت و وارد جامعه وکلا شدند. اما باز هم وکلای انگشت شماری از دل همین وکلای تربیت شده توسط قوه قضائیه بیرون آمده و با دفاع از متهمان سیاسی و عقیدتی، خواب حاکمیت جمهوری اسلامی را آشفته کردند. از این میان می‌توان به وکلای دراویش گنابادی، جاوید هوتن کیان (وکیل سکینه محمدی آشتیانی) و خودم اشاره کنم. تقریباً از سال ۸۵، حجم وکالت در پرونده‌های حقوق بشری، رو به تزاید گذاشت. در سال هشتاد و شش، پس از تسلیم نشدن به حکم محکومیت توبیخ در روزنامه رسمی، حکم مذکور را به یک سال ممنوعیت از اشتغال به حرفه وکالت تشدید کردند. به ناچار به دیوان عدالت اداری مراجعه و دستور موقت مبنی بر توقف حکم محکومیت به یک سال ممنوعیت از حرفه‌ی وکالت، اخذ کرده و کج‌دار و مریز به فعالیت خود ادامه دادم. در سال ۸۷، پروانه وکالت را جهت تمدید به نماینده وکلا تحویل دادم که مرکز امور مشاوران حقوقی و وکلای قوه قضائیه، پروانه وکالت را توقیف کرد. مجدداً به دیوان عدالت اداری مراجعه و دوباره دستور موقتی مبنی بر غیر قانونی بودن تصمیم مرکز امور مشاوران حقوقی و وکلا اخذ کردم و دوباره با وضعیتی شکننده به فعالیت خودم ادامه دادم و باز در همین وضعیت وکالت متهمان سیاسی و عقیدتی را بر عهده گرفتم. فروردین ماه سال ۹۰ و پس از ملاقات با جاوید هوتن کیان در زندان مرکزی تبریز، فشارهای اداره اطلاعات افزایش و مهر ماه همان سال و پس از تهدیدات زیاد و مراجعه مامورین وزارت اطلاعات در زمانی که در دفتر کارم حضور نداشتیم، مجبور به ترک وطن شدم.

